



حسن البناء؛ اندیشمندی که تمدن جدید اسلامی را معماری می کرد

بنیانگذار سازمان اخوان المسلمین معتقد است: "آنچه ما از آنها می خواهیم پیوند برادری اسلامی برای بازیابی عظمت و شکوه اسلام است."

خبرگزاری مهر- بنیانگذار سازمان اخوان المسلمین معتقد است: "آنچه ما از آنها می خواهیم پیوند برادری اسلامی برای بازیابی عظمت و شکوه اسلام است. این دعوت هیچ شرط و شروطی جز شهادتین ندارد که لبیک گویان به آن نیز گروههایی با درجات مختلف ایمان به آموزه های اسلامی و عمل به آنها را در بر می گیرد." جریان بیداری اسلامی، محصول مجاهدت زنان و مردانی بوده است که مصلحانه پرچم پایداری اسلامی را به دوش کشیدند. در واقع شناخت این راد مردان، شناخت ریشه ها و اصول مهمترین جریان جهانی هزاره سوم، یعنی جریان بیداری اسلامی است که امید آن وجود دارد در آینده نه چندان دوری، به احیای تمدن عظیم اسلامی منجر شود. امروز و در آستانه سالگرد شهادت حسن البناء بنیانگذار سازمان اخوان المسلمین در مصر (12 فوریه 1949 میلادی) مروری بر زندگی و اندیشه های وی خواهیم داشت.

حسن البناء در سال 1906 در دهکده محمدیه در دلتای رود نیل از نواحی بحیره مصر چشم به جهان گشود و در خانواده ای مذهبی پرورش یافت.

پس از اتمام دوره تحصیلات در دانشسرای مقدماتی معلمان، در شانزده سالگی به قاهره رفت تا در دارالعلوم که مؤسس آن "محمد عبده" بود تحصیل کند. در آنجا وی به عضویت انجمن مکارم اخلاق الاسلامی و همچنین انجمن جوانان مسلمان در آمد. حسن البناء در 1927 معلم دولتی شهر اسماعیلیه شد و در مارس 1928، جمعیت اخوان المسلمین (الاخوان المسلمون) را با شش عضو طرفدار و شاگردان محلی تشکیل داد. وی در کنار علمای برجسته ای بود که «؛دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه" را تأسیس کردند. در اساسنامه ای که این بزرگان نوشتند، اهداف دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه عبارتست از:

۱/ کوشش در تحقق زمینه های مناسب وحدت و همبستگی میان مذاهب گوناگون اسلامی؛ زیرا دیدگاه های مختلفی که ارتباطی به اصول کلی اسلامی نیز ندارند، میان مسلمانان جدایی افکنده است.

۲/ نشر و ترویج عقاید و احکام و قوانین کلی اسلامی به زبان های مختلف و تبیین نیاز جامعه به آنها در عرصه عمل.

۳/ کوشش در حل اختلاف ها و درگیری های ملی یا طایفه ای مسلمانان و تحقق تقرب و همبستگی میان آنها.

به رغم این که حسن البناء خود در شمار علمای الازهر نبود؛ ولی از شخصیت انقلابی بسیار جذابی برخوردار بود و تأثیر بسیار ژرفی بر دیگران داشت. نمونه ای از این اثرگذاری در خاطرات شیخ محمد تقی قمی از "جماعت التقريب" است که به تفصیل از وی سخن گفته و می نویسد: «؛حسن البناء از علمای الازهر نبود، هیچ رابطه ای نیز با شیوخ الازهر نداشت؛ ولی به لحاظ تحرک و نشاط و همت و برنامه ریزی و اخلاص، همچون کوهی استوار و سر به فلک کشیده بود و با این ویژگی های سترگ توانست به میان جوانان دانشگاهی راه یابد و در آنها اثر گذارد؛ او نسل پرهیزگار، مجاهد، پاکدامن و با فرهنگ اسلامی و کاملاً آگاه و روشنی را پرورش داد. او با توجه به هدف بازگرداندن امت اسلامی به عزت و کرامت و موقعیت تاریخی گذشته که با تمام وجود با آن زندگی می کرد و در تار و پود وجودش تنیده شده بود، همواره به «؛تقريب مذاهب اسلاميه" می اندیشید و همین روح تقریبی به جماعت اخوان المسلمین نیز که خود تأسیس کرده و پرورانده و حرکتش را زیر نظر داشت، سرایت کرده بود.«؛

در روزهای نخست تأسیس این جمعیت (دارالتقريب بين المذاهب) صحبت بر سر نام نهادی بود که "آیت الله محمد تقی قمی" در پی تأسیس آن بود. آیا نام «؛وحدت«؛، «؛آشنایی«؛، «؛همبستگی«؛، یا . . . داشته باشد؟ ولی "شیخ حسن البناء" پیشنهاد نام «؛تقريب«؛ را داد. زیرا معتقد بود این نام از همه بیشتر گویای اهداف آن است. این جمعیت و نهاد نیز نام «؛تقريب«؛ را به پیشنهاد آن مجاهد و پرهیزگار، پذیرفت.

حسن البناء در روزنامه خود توجه ویژه ای به مطالب نزدیک کننده مذاهب اهل سنت و شیعه به یکدیگر داشت و در این راستا، با دارالتقريب همکاری تنگاتنگی برای رساندن صدای آن به عربستان سعودی - که در آن زمان سخن گفتن از تقرب اهل سنت و شیعه در آن ممنوع شده بود - به عمل آورد.

پس از حادثه اعدام «؛سید ابوطالب یزدی«؛ در حجاز، سفر ایرانیان به حج برای چند سال، قطع شد. «؛دارالتقريب«؛، در راستای برطرف ساختن سوء تفاهم های موجود در اذهان به ویژه پس از تبلیغات منفی علیه شیعیان، اقدام به نشر مناسک حج بر اساس مذاهب پنجگانه یعنی چهار مذهب اهل سنت و مذهب اهل شیعه امامی کرد؛ این کتاب مناسک چاپ شد. آشکارا و بدون آنکه جای شکی باقی گذارد روشن می سازد که شیعیان و اهل سنت اگر نه در همه، در بخش اعظم مناسک حج، اتفاق نظر دارند. وارد کردن این «؛مناسک حج«؛ به عربستان سعودی، به دلیل منع اکید مقامات سعودی

در آن زمان، امکان پذیر نبود. ولی شیخ حسن البنا¹⁷¹؛ راه حلی برای این کار یافت. او همه¹⁷¹؛ مناسک حج¹⁷¹؛ را در روزنامه اش چاپ و روزنامه را در موسم حج وارد عربستان کرد. این روزنامه میان حجاج پخش شد و اثر بسیار جالب و مثبتی در میان مسلمانان داشت،

در همان سال شیخ حسن البنا عازم حج شد و در آنجا با روحانی مجاهد آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی رهبر دینی جنبش ملی شدن نفت در ایران دیدار کرد.

¹⁷¹؛ علامه سید هادی خسرو شاهی¹⁷¹؛ نقل کرده که برخی علمای بزرگ در ایران، اقدامات مرحوم حسن البنا را با دیده ستایش می نگریستند؛ او (آیه الله خسرو شاهی) در سال 1375 هجری قمری در مجلس درس¹⁷¹؛ آیه الله سید رضا صدر¹⁷¹؛ - یکی از علمای بزرگ - حضور داشت و از قول او می گوید: ¹⁷¹؛ شما حتما باید شیخ حسن البنا را بشناسید ؛ او قهرمان دلیر و رهبر جاوید و جهانی اخوان المسلمین است. ¹⁷¹؛

مرحوم حسن البنا در زمان شک و تردید دیگران نسبت به تشیع، پندار و کردار و گفتارش با هم مطابقت می کرد که بیانگر شجاعت و شهامت زایدالوصف اوست. همین روحیه تقریب مذاهبی در تار و پود جنبش اخوان المسلمین نیز جاری گشت و گسترش جهانی یافت. چه یکی از اصول آن، دوری گزیدن از جدال های فرقه ای - مذهبی است.

رهبران بعدی اخوان المسلمین نیز همین راه را در پیش گرفتند از آن جمله مرحوم "مصطفی مشهور" است که در نامه ای به آقای خسرو شاهی می نویسد:

¹⁷¹؛ اخوان المسلمین از آغاز تأسیس به دست رهبر کبیر خود امام حسن البنا صرف نظر از اختلاف های مذهبی و گرایش های دینی و فکری به وحدت تمامی مسلمانان فراخوانده است؛ زیرا مسلمانان به دلیل تفرقه، پراکندگی، اختلاف های منجر به دشمنی و کینه، در برابر دشمنانشان خوار و کوچک شده بودند. خداوند متعال نیز می فرماید ¹⁷¹؛ واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا ¹⁷¹؛ و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئک لهم عذاب عظیم ¹⁷¹؛.

اساس فکری این وحدت و فراخوانی به آن نزد اخوان المسلمین، بر بستر درک متقابل و اصول تشریعی است. قرآن کریم و سنت مطهر دو منبع اصلی تشریع در اسلام به شمار می روند، هیچ مسلمانی را که شهادتین بر زبان جاری کرده و به مقتضای آنها عمل کرده و تا زمانی که کار کفرآمیزی انجام نداده است، تکفیر نمی کنیم و علاوه بر آن به مقوله معروف مشهوری که اصل طلایی اش نامیده اند، عمل می کنیم: ¹⁷¹؛ همکاری در موارد توافقی و معذور داشتن یکدیگر در آنجا که اختلاف داشتیم. ¹⁷¹؛ معنای این قاعده نیز کاملا روشن است و طبیعی است که اتفاق نظر معمولا در اصول و اختلاف در فروع است.

¹⁷¹؛ امام شهید حسن البنا¹⁷¹؛ خود در گفتار و کردار، کاملا به این موضوع توجه داشت و این جانب عکسی از وی در سال 1325 ه.ق در کنار علمای بزرگ زمان خود از جمله ¹⁷¹؛ شیخ عبدالمجید سلیم¹⁷¹؛ شیخ الازهر در آن زمان و حضرت ¹⁷¹؛ شیخ امین الحسینی¹⁷¹؛ مفتی فلسطین و ¹⁷¹؛ محمد تقی قمی¹⁷¹؛ و دیگران در نشستنی در دارالتقریب بین المذاهب الاسلامی دارم.

رابطه عملی اخوان المسلمین با شیعیان در ایران و جاهای دیگر، از دهه پنجاه قرن حاضر و پس از پیروزی انقلاب ایران، شاهی براین مدعاست.

اختلاف میان اهل سنت و شیعه زیدی یا شیعه اثنی عشری تنها منحصر به برخی فروع است؛ همگان شهادت "ان لا اله الا الله" و "ان محمدا رسول الله" سر می دهند و از نظر همه آنان، قرآن کریم اولین و سنت مطهر نبوی دومین منبع تشریع است، همگان رو به یک قبله دارند. دین، بازیچه خواست عامه مردم نیست و اینک زمان آن فرا رسیده که آن فتنه ها فرو نشانده و لهیب آتش آن، خاموش گردد.

اعتدال و میانه روی، از برجسته ترین ویژگی های جنبش اخوان المسلمین به شمار می رود. ¹⁷¹؛ استاد محمد عبدالحلیم¹⁷¹؛ در پژوهشی درباره اخوان المسلمین می نویسد: ¹⁷¹؛ از جمله بزرگترین دستاورد اخوان المسلمین، پاسداری از میانه روی اندیشه اسلامی بدون انحراف و گرفتاری در جریانات عوامانه و هواهای سرکش و شرایط دشوار است.

این معنا در غالب نوشته های آنها قابل لمس است. ادبیات آنها نیز بیش از دیگران به کتاب های معتبر از نظر شیعه از جمله نهج البلاغه - که شریف رضی سخنان گهربار مولای متقیان علی (ع) را در آن گرد آورده است، استفاده می کند. به عنوان مثال، "استاد عبدالحمید" بهنگام اشاره به فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر در واگذاری ولایت مصر به او، می نویسد:

¹⁷¹؛ این نامه یکی از اسناد تاریخی و ای بسا گنج نادری است و هرگز تا به امروز سندی مشابه یا نزدیک به آن به ذهن علما و کارشناسان مدیریت خطور نکرده است. ¹⁷¹؛

همه این برخوردها و مواضع برگرفته از تأثیر سخنان متین و اصولی "امام حسن البنا" و سمت گیری های جالب او و فراخوان

روشنش به گشودن آغوش به سوی تمامی گروههای امت است؛ او در این راه با مخالفت های سخت متعصبان سلفی از یک سو و صوفیان افراطی از سوی دیگر، مواجه گشت. زیرا راه وی، راه میانه و واقع گرایانه ای بود.

او در مقاله ای در دهه سی معاصر نوشت: #171;ما فراخوان خود را متوجه تمام کسانی می کنیم که شهادت "ان لا اله الا الله" و "ان محمدا رسول الله" سر می دهند هرچند به لحاظ تعالیم و اندیشه های اسلامی، قصوری نیز داشته باشند. آنچه ما از آنها می خواهیم پیوند برادری اسلامی با ما برای عمل در راستای بازیابی عظمت و شکوه اسلام است. این دعوت هیچ شرط و شروطی جز شهادتین ندارد که لبیک گویان به آن نیز گروههایی با درجات مختلف ایمان به آموزه های اسلامی و عمل به آنها را در بر می گیرد.</p>
</div>
<div data-bbox=

طبیعتا او این شیوه برخورد را راهی برای هدایت و گسترش اجرای کامل اسلام در جامعه تلقی می کند و هرگز باب گفتگوی علمی و آرام در عرصه های فقهی و اصولی و نیز در زمینه های عقیدتی و تاریخی را نمی بندد؛ همه این ها در چارچوب شهادتین و باور به ارکان ایمان و اسلام، پذیرفتنی است. خدایش رحمت کند و جزای خیرش دهد!</p>
</div>
<div data-bbox=